

نوذری، محمود، ۱۳۳۸ -
روان‌شناسی تحول دینداری / محمود نوذری، - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی، ۱۳۹۶.
دوازدهم، ۲۹۹ ص. - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه: ۴۲۸: علوم تربیتی؛ ۴۸) (سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت): ۲۱۵۵: علوم تربیتی؛ ۹۷)

ISBN: 978-600-298-200-1

بها: ۱۷۵۰۰۰ ریال

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.

کتابخانه: ص. [۲۸۷]-۲۹۴.

نمایه.

۱. تحول (روان‌شناسی) - جنبه‌های مذهبی - اسلام. ۲. روان‌شناسی مذهبی. الف. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ب.

عنوان.

۲۹۷ / ۴۸۵

BP ۲۳۲ / ۶۵ / ۹ ر ۹

۱۳۹۶

۵۱۰۰۱۶۴

شماره کتابخانه ملی



روان‌شناسی تحول دینداری

مؤلف: محمود نوذری (عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه)
«پژوهشگاه حوزه و دانشگاه»، «سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی» و «شورای تحول و ارتقاء علوم انسانی»

ویراستار: مرتضی بزرگر یفرویی

صفحه‌آرایی: کاما

چاپ اول: زمستان ۱۳۹۶

تعداد: ۱۵۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم - جعفری

قیمت: ۱۷۵۰۰۰ ریال

کلیه حقوق برای ناشران محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیس، بلوار دانشگاه پژوهشگاه حوزه و دانشگاه تلفن: ۰۲۵ - ۳۲۱۱۱۱۰۰ (انتشارات: ۳۲۱۱۱۳۰۰) نمابر: ۰۹۰ - ۳۳۸۰۰۹۰
ص.ب. ۳۱۵۱ - ۳۷۱۸۵ • تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، کوی اسکو، پلاک ۴، تلفن: ۶۶۴۰۲۶۰۰

www.rihu.ac.ir

info@rihu.ac.ir

فروش اینترنتی: www.ketab.ir/rihu

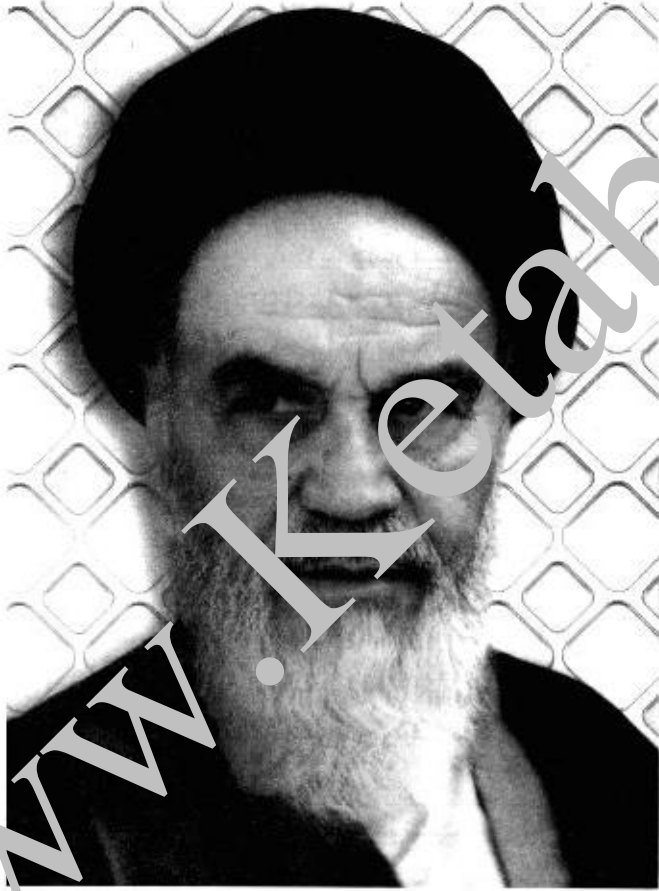
ساختمان مرکزی: تهران: بزرگراه آل احمد، تقاطع پل یادگار امام، روبه‌روی پمپ گاز، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، تلفن: ۴۴۲۴۶۲۵۰، نمابر: ۴۴۲۴۸۷۷۷ • مرکز پخش و نمایشگاه دائمی: تهران: خ انقلاب، خ ایوریحان، ش ۱۰۷ و

info@samt.ac.ir

www.samt.ac.ir

۱۰۹، تلفن: ۰۸۱۲۰۰۶۶۴۰، نمابر: ۶۴۰۵۶۷۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



آسایش انسان به این است که روح انسان راحت باشد.

صحیفه نور، ج ۳، ص ۴۷۴

سخن ناشران و شورای تحول

یکی از اهداف مهم انقلاب فرهنگی، ایجاد دگرگونی اساسی در دروس علوم انسانی دانشگاه‌ها بوده است. و این امر، مستلزم بازنگری منابع درسی موجود و تدوین منابع مبنایی و علمی معتبر و مستند با در نظر گرفتن دیدگاه اسلامی در مبنای و مسائل این علوم است.

ستاد انقلاب فرهنگی در این زمینه گام‌هایی برداشته بود، اما اهمیت موضوع اقتضا می‌کرد که سازمانی مخصوص این کار تأسیس شود و شورای عالی انقلاب فرهنگی در تاریخ ۶۳/۱۲/۷ تأسیس «سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها» را، که به اختصار «سمت» نامیده می‌شود، تصویب کرد.

همچنین شورای عالی انقلاب فرهنگی برای تکمیل این مقصود (بازنگری و تدوین سرفصل‌ها و منابع علمی معتبر با در نظر گرفتن دیدگاه اسلامی)، در تاریخ ۸۸/۷/۲۱ یک شورای تخصصی را به عنوان مرجعی ثابت برای تحول سیاست‌گذاری و نظارت در حوزه علوم انسانی تعیین کرد و آیین‌نامه تشکیل شورای تخصصی تحول و ارتقای علوم انسانی را به تصویب رساند.

شورای تحول پس از تدوین و تصویب برنامه‌های آموزشی، دروس و سرفصل‌های جدید رشته‌های علوم انسانی، تألیف متون درسی دانشگاه‌ها، سرفصل‌های جدید با دعوت از اندیشمندان و اساتید برجسته دانشگاهی و حوزوی در دستور کار خود قرار داد.

سازمان «سمت» و پژوهشگاه حوزه و دانشگاه به عنوان عضوی از اعضای شورای تحول با سابقه طولانی و تجربه موفق چندین دهه خویش در تألیف و ترجمه منابع علوم انسانی در کنار مأموریت مصوب خویش در تحقق اهداف شورای تحول نیز همکاری نزدیک داشته است و اولین اثر مشترک «جانبه خود را با عنوان روان‌شناسی تحول دینداری به جامعه علمی کشور عرضه می‌کند.

دشواری تألیف متون درسی دانشگاهی بر اهل نظر پوشیده نیست و به همین جهت اولین راه نیل به کمال مطلوب می‌باید به تدریج و پس از انتقادهای یادآوری‌های پیاپی ارباب نظر به دست آید. سازمان دارد که استادان محترم از این همیاری و راهنمایی دریغ نوزند و با پیشنهادهای اصلاحی خود، این دو نهاد را در اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی جمهوری اسلامی ایران یاری دهند. کتاب حاضر برای دانشجویان رشته روان‌شناسی گرایش روان‌شناسی دین در مقطع کارشناسی نوشته شده است.

به عنوان منبع درس تخصصی «تحول دینداری» به ارزش ۲ واحد تدوین شده و برای دانشجویان مقطع کارشناسی رشته روان‌شناسی، در درس روان‌شناسی دین، قابل استفاده است. امید است علاوه بر جامعه دانشگاهی سایر علاقه‌مندان نیز از آن بهره‌مند شوند.

فهرست مطالب

۱	دیباچه
۵	کلیات: درآمدی بر نظریه روان‌شناختی تحول دینداری
۵	مقدمه
۷	تعریف تحول و روان‌شناسی تحول
۷	تعریف دین و دینداری در کاوش‌های روان‌شناختی
۹	تعریف و موضوع روان‌شناسی تحول دینداری
۱۰	انتظار از نظریه‌های تحول دینی
۱۱	سیر تحول نظریه‌های تحول دینداری
۱۲	دوره اول: سیطره چهل ساله رویکرد شناختی تحول دینی
۱۲	دوره دوم: نقد رویکرد شناختی تحول دینی و ارائه نظریه‌های جایگزین
۱۳	رویکرد کارکردی - بنیادین کویلسکی
۱۳	نظریه‌های شناختی - فرهنگی تحول معنوی
۱۴	سیر معنوی کودک
۱۵	فرآیندهای بنیادین روان‌شناختی تحول دینداری
۱۷	روش تحقیق در حوزه مطالعات تحول دینداری
۲۰	رویکرد و طرح کتاب
۲۱	جهت‌گیری‌ها در گزینش نظریه‌ها
۲۱	سامان‌دهی کتاب

بخش اول: نظریه‌های شناختی - ساختاری تحول دینداری / ۲۵

۳۰	فصل اول: مراحل تفکر دینی و مفاهیم اعتقادی از کودکی تا نوجوانی (گلدمن)
۳۰	مقدمه
۳۲	دین

۳۳	تفکر دینی
۳۵	روش
۳۵	مراحل تفکر دینی (تفکر عملیاتی درباره داستان‌های دینی)
۳۵	تفکر شهودی دینی (تا ۷ و ۸ سالگی) یا مرحله پیش دینی
۳۶	تفکر دینی واسطه‌ای شهودی - عینی (۷ و ۸ تا ۹ سالگی) یا مرحله تفکر دینی ناقص اول
۳۷	تفکر دینی عینی (۹ تا ۱۱ سالگی) یا مرحله تفکر دینی ناقص دوم
۳۸	تفکر دینی واسطه‌ای عینی - انتزاعی (۱۱ تا ۱۳ سالگی) یا مرحله اول تفکر دینی شخصی
۳۹	تفکر دینی انتزاعی (۱۳ سالگی به بعد) یا مرحله دوم تفکر دینی شخصی (دینی کامل)
۴۰	مراحل سه مرحله‌ای تفکر دینی (دیدگاه پیاژه) و مراحل تفکر دینی
۴۲	متغیرهای مؤثر در رشد تفکر دینی: تفاوت‌های فردی
۴۳	مراحل در سبک‌های تفکر دینی: ایمان از دیدگاه اعتقادی
۴۳	چستی امر الهی: حل مشکل و سخن گفتن خدا
۴۴	فعل خداوند در جهان: معنی
۴۶	مسیح و مسئله شر
۴۶	شخصیت عیسی مسیح
۴۷	عصمت حضرت مسیح در دوران کودکی و بزرگسالی
۴۹	مسائلی درباره درک کودکان از شر
۴۹	مؤلفه‌های مرتبط با دعا
۵۱	مؤلفه‌های مرتبط با کلیسا
۵۳	ارزیابی
۵۳	نقاط مثبت
۵۴	نقاط ضعف
۵۹	فصل دوم: مراحل تحول دینداری و هویت فرقه‌ای دینی (الکایند)
۵۹	مقدمه
۶۰	روش‌شناسی
۶۰	دین‌شناسی
۶۰	مراحل تحول دینداری در دوره کودکی و نوجوانی
۶۲	مرحله اول: طقولیت و جستجوی بقا
۶۲	اوایل کودکی و جستجوی بازنمایی مفهوم خدا
۶۵	کودکی و جستجوی رابطه با خدا
۶۷	نوجوانی و جستجوی فهم جهان در چهارچوب یک نظریه دینی
۶۹	مراحل تحول مفهوم دعا
۷۳	مراحل تحول مفهوم فرقه‌ای هویت دینی

۷۴	ارزیابی
۷۴	نقاط قوت
۷۵	نقاط ضعف

۷۸	فصل سوم: مراحل ایمان (فولر)
۷۸	مقدمه
۷۹	مفهوم سنجشی ایمان
۸۰	ایمان انسانی و جهان شمول
۸۲	ایمان، دین، و نور
۸۳	ایمان و رابطه
۸۶	ایمان به مذهب و راه
۸۸	نگاهی به ایمان از دیدگاه علمی
۸۹	روش‌شناسی پژوهش
۹۰	مراحل ایمان
۹۱	دوره نوزادی (پیش مرحله): ایمان ناآشنا (۲ تا ۳ سالگی)
۹۵	مرحله اول: ایمان شهودی - فراقکت (۲ تا ۷ سالگی)
۱۰۲	مرحله دوم: ایمان لفظی - داستان سرایانه (۶ و ۷ تا ۱۱ و ۱۲ سالگی)
۱۰۸	مرحله سوم: ایمان تلفیقی - عرفی (۱۱ و ۱۲ تا ۱۷ سالگی)
۱۲۰	مرحله چهارم: ایمان فردی شده - فکورانه (۲۰ سالگی به بعد)
۱۲۵	مرحله پنجم: ایمان عاطفی (براساس فرض میانه بزرگسالی یا پس از آن)
۱۳۵	مرحله ششم: ایمان جهان شمول
۱۳۹	ارزیابی
۱۴۰	نقاط قوت
۱۴۱	نقاط ضعف

۱۴۵	فصل چهارم: مراحل تحول داوری دینی (اسر و گماندرا)
۱۴۵	مقدمه
۱۴۶	مراحل تحول داوری دینی
۱۴۸	۱. جهت‌گیری دگرپرویی دینی
۱۴۸	۲. جهت‌گیری «عطا کن تا به دست آوری»
۱۴۸	۳. جهت‌گیری خودمختاری من‌گرایانه
۱۴۸	۴. جهت‌گیری خودمختاری میانه و برنامه رستگاری
۱۴۸	۵. جهت‌گیری خودمختاری و درهم‌تنیدگی دینی
۱۴۹	ارزیابی

۲۱۴	نقاط ضعف
-----	----------

۲۱۵	فصل نهم: الگوهای ناظر به چگونگی ارتباط بین باورهای دینی کودک - بافت اجتماعی
۲۱۵	مقدمه
۲۱۶	الگوی تناظری رابطه باورهای دینی کودک - بافت اجتماعی
۲۱۹	الگوی استقلالی رابطه باور دینی کودک - بافت اجتماعی
۲۲۱	الگوی دوسویه ارتباط کودک - بافت اجتماعی
۲۲۴	ارزیابی
۲۲۵	نقاط قوت و ضعف الگوی تناظری
۲۲۶	نقاط قوت و ضعف الگوی استقلالی
۲۲۶	نقاط قوت و ضعف الگوی دوسویه و تبادلی
۲۲۷	نقاط قوت و ضعف الگوی دوسویه و تبادلی

بخش چهارم: هیجیت - نظریه پردازی روان شناختی تحول دینداری / ۲۲۹

۲۳۱	فصل دهم: مناقشات نظری درباره امکان مفید بودن مطالعات روان شناختی تحول دینداری
۲۳۱	مقدمه
۲۳۲	رویکرد روان شناسان سکولار: نفی امکان یا مفید بودن مطالعات روان شناختی تحول دینی
۲۳۳	رویکرد آغازین عالمان و معتقدان مسیحی: نفی امکان یا مفید بودن مطالعات روان شناختی...
۲۳۴	تقلیل گرایی
۲۳۵	جبرگرایی در انجام رفتار دینی
۲۳۷	جایگزینی تفسیر روان شناختی علمی به جای تفسیر دینی
۲۳۸	موقتی بودن اعتبار تفاسیر روان شناختی از ایمان
۲۳۹	رویکرد ثانویه عالمان و معتقدان مسیحی: پذیرش مشروط مفید بودن مطالعات روان شناختی تحول دینی

۲۴۱	فصل یازدهم: نظریه های مسیحی تحول دینداری
۲۴۱	مقدمه
۲۴۲	نظریه پنج مرحله ای بروس پاورز
۲۴۳	۱. مرحله پرورش و تحول اولیه کودک (۰-۶ سال)
۲۴۱	۲. تلقین نگرش ها و باورها (سنین ۷ تا ۱۸ سال)
۲۴۱	۳. آزمون واقعیت (سنین ۱۹ تا ۲۷ سالگی)
۲۴۴	۴. انتخاب کردن (سنین ۲۸ تا ۳۵ سالگی)
۲۴۵	۵. اخلاص در عمل (سنین ۳۶ سالگی به بالا)
۲۴۵	نظریه سه مرحله ای کورنیژوک و سایر همکاران: تحول دینی مبتنی بر دیدگاه فرقه ادونیست روز هفتم
۲۴۶	۱. دوره پیش عملیاتی (۲-۶ و ۷ سالگی)

۲۴۷	۲. دوره عینی (۶ و ۷ سالگی تا ۱۱ و ۱۲ سالگی)
۲۴۸	۳. دوره صوری (رسمی) (۱۱-۱۲ سالگی)
۲۴۸	عناصر غیر مرتبط با سن
۲۴۹	کاربردهای این پژوهش
۲۵۰	نمایه هشت حله‌ای استفانز
۲۵۰	۱. ایمان آغازین (بدو تولد تا ۲ سالگی) در برابر ایمان بسط‌نیافته
۲۵۰	۲. شوق بدون شرط (۲-۳ سالگی) در برابر عشق مشروط
۲۵۱	۳. شکر (پیش از مدرسه: ۳-۵ سال) در برابر سوزنش خود
۲۵۱	۴. سویر شدن خدا (اواخر کودکی: ۶-۱۱ سال) در برابر تصویر مخدوش از خدا
۲۵۲	۵. هویت معنوی (نوجوانی تا جوانی: ۱۲-۱۹ سال) در برابر سردرگمی معنوی
۲۵۲	۶. قرب الهی (اواخر نوجوانی: ۲۰-۳۵ سالگی) در برابر انزوا از خداوند
۲۵۲	۷. تبلیغ مسیحیت (اوایل بزرگسالی: ۳۵-۵۵ سالگی) در برابر جستجوی بی‌حاصل معنا
۲۵۳	۸. تمامیت معنوی (اواخر بزرگسالی: ۵۵-۶۵ سالگی)
۲۵۳	نظریه تمپ اسپارکمن
۲۵۳	مرحله نخست: فرزند خدا بودن (دوران آغازین و دکی)
۲۵۴	مرحله دوم: فرزند وعده الهی - متعلق به خدا (دوران میانه کودکی و آغاز نوجوانی)
۲۵۴	مرحله سوم: تثبیت ایمان (میانه نوجوانی - سن ۱۶ سال و بیشتر)
۲۵۴	مرحله چهارم: پذیرش ولایت خداوند (دوره بزرگسالی)
۲۵۶	ارزیابی
۲۵۶	نقاط قوت
۲۵۸	نقاط ضعف

بخش پنجم: وضعیت پژوهش و نظریه‌پردازی تحول دینداری / ۲۵۹

۲۶۲	فصل دوازدهم: نظریه‌های عرفانی و تفسیری تحول دینداری
۲۶۲	مقدمه
۲۶۳	عرفا و تحول دینی
۲۶۱	مفهوم و مراحل ایمان از دیدگاه علامه طباطبائی
۲۶۶	مراحل تحول دینی از دیدگاه غزالی
۲۶۸	ارزیابی
۲۶۸	ظرفیت‌ها
۲۷۰	کاستی‌ها

۲۷۱	فصل سیزدهم: پژوهش‌های روان‌شناختی تحول دینداری در ایران و راهکارهای ارتقای...
۲۷۱	مقدمه

۳۷۲	گزارش تحلیلی وضعیت پژوهش و نظریه پردازی تحول دینداری در ایران
۳۷۴	تحول ایمان به خدا در دوره کودکی، نوجوانی و آغاز جوانی: رویکردی روان شناختی - دینی
۳۷۵	بررسی تجربی تحول ایمان به خدا در گستره سنی ۷ تا ۱۷ سالگی
۳۷۹	ارزیابی
۳۷۹	نقاط قوت
۳۸۰	نقاط ضعف
۳۸۱	نکارهای ارتقای تولید دانش بومی روان شناختی تحول دینداری در ایران
۳۸۷	نتیجه و مآل
۳۹۵	نمایه اشخاص
۳۹۷	نمایه موضوعات

دیباچه

پژوهش و نظریه پردازی، زمینه تحول ایمان و دینداری در تمدن اسلامی از پیشینه‌ای قوی برخوردار بوده و برای چندین قرن نیازهای نهادی، آموزشی، مریانی و مبلغان دینی را به بنیان‌های علمی برای مداخله در فرآیند تربیت دیندار و نتیجه‌های مثبت تربیان را دربر داشته است. خاستگاه اولیه بحث از تحول دینی و به‌ویژه مراحل ایمان را در دنیای اسلام باید به قرآن و روایات جستجو کرد، قرآن نخستین منبعی است که موضوع درجه‌پذیری، مراتب بودن و مراحل ایمان را مطرح کرده است. تعابیر قرآن در اشاره به موضوعات یادشده متفاوت است. به عنوان مثال، «زیادت و نقصان ایمان» (فتح، ۴) و برخی دیگر از آیات به «درجه‌پذیری ایمان» (انعام، ۱۳۲) اشاره کرده و دسته‌ای دیگر بر تفصیل برخی افراد بر سایر افراد سخن به میان آورده است (بقره، ۲۵۳). همچنین، قرآن در توصیف مؤمنان از واژه‌هایی استفاده می‌کند که دلالت بر مراتب مختلف ایمان در اشخاص دارد. واژه‌های «مؤمنین، مسلمین، موقنین، مخلصین، متوکلین، مفوضین، راضین، علیون، اولوالالباب، الراسخون فی العلم، رؤس الابصار، هریک دلالت بر مرتبه خاصی از ایمان یا برجستگی بعد خاصی از آن در افراد دارد.

در روایات افزون بر اشاره به درجه‌پذیری ایمان، به اجزا و مراتب آن اشاره شده است. برای مثال، در روایتی ایمان به هفت جزء تقسیم می‌شود: نیکوکاری، راست‌گویی، یقین، وفاء، علم و بردباری و در ادامه حدیث آمده است که به بعضی افراد تنها یک جزء و به برخی دیگر دو جزء و به بعضی نیز تا هفت جزء هم داده شده است. فردی که دارای هفت جزء است، ایمان را کامل است (کلینی، ۱۳۹۱، ص ۷۲).

دسته دیگری از روایات اشاره می‌کند که ایمان مانند نردبانی است که ده پله دارد و مؤمنان پله‌ای را بعد از پله دیگر بالا می‌روند، پس کسی که در پله دوم است نباید به آنکه در پله اول است، بگوید: تو هیچ ایمان نداری تا برسد به دهمین نفر (همان، ص ۷۴).

در بین نحله‌های فکری در دنیای اسلام، عارفان بیش از دیگران تلاش کرده‌اند تا مراحل ایمان را سامان بخشند؛ نوع ابتدایی این تلاش را در کتاب *آداب العبادات*، نوشته شفیق بلخی (م ۱۹۴ق) و گونه بالنده آن در کتاب *الصدق* تألیف ابوسعید خراز (م ۲۷۹ق) و در کتاب *اللمع* به قلم ابونصر سراج (۳۸۶) دیده می‌شود. این تلاش‌ها در شکلی کامل‌تر در آثار خواجه عبدالله انصاری (۴۸۱ق) در کتاب *منازل السائرین* تجلی یافت. خواجه عبدالله انصاری، منازل سلوکی را به‌طور کلی در سه رتبه جمع کرده است، سپس همین منازل سلوکی را به‌طور جزئی در صد منزل برشمرده آن صد منزل را در *منازل السائرین* جای داده است؛ و در هر وادی به ده منزل پرداخته و هر منزل را پس از بیان یک آیه مناسب و تعریفی کوتاه و پرمغز در سه درجه تشریح کرده است (فضلی، ۱۳۸۶، ص ۱۶۹-۱۷۰). این رتبه‌بندی دانش در حال تکوین عرفان را کامل کرد. وی با استدلالی کردن موضوعات عرفانی آن را در قالب یک مکتب فکری و جهان‌بینی ارائه کرد. پیروان ابن عربی براساس نظام هستی‌شناختی او، منازل خواجه عبدالله انصاری را مورد بازبینی دوباره قرار دادند و آن را در قالب نظام منسجم‌تری ارائه کردند. در بین پیروان ابن عربی، ملا عبدالرزاق کاشانی (م ۷۳۶ق) و سعیدالدین فرغانی (م ۷۰۰ق)، از جمله بیشتر وارد ساحت عرفان عملی بر مبنای عرفان نظری شدند. به جز عرفا، مفسران و متکلمان نیز به تفسیر آیات و روایات ناظر به مراحل تحول ایمان و دینداری، دیدگاه‌های خود را در این زمینه بیان کرده‌اند که همان بخش قابل توجهی از پیشینه تحول دینداری در تمدن اسلامی را شکل می‌دهد.

نیازهای نهادهای آموزشی، مربیان و مبلغان دینی در دو، معاصر به دانش روان‌شناختی تحول دینی برای مداخله مؤثر در فرآیند تربیت دینی، از سویی و رکود علم و کم‌بر مراکز تولید دانش در تمدن اسلامی، از سوی دیگر سبب شد تا تأمین بنیان‌های علمی مورد نیاز نهادهای آموزشی به دانش روان‌شناختی تحول دینداری وارداتی از غرب واگذار شود؛ توضیح این سبب اینکه در دوره معاصر پژوهش و نظریه‌پردازی در حوزه‌های روان‌شناسی و علوم اجتماعی در غرب، زمینه‌های مطالعه دین و دینداری را در چهارچوب این نظریه‌ها فراهم کرد و به سرعت نیز گسترش یافت و به ظهور نظریه‌های فراوانی درباره دین و دینداری انجامید.

کارکرد نظریه‌های بیان‌شده نیز این بود که در راستای پیچیده‌تر شدن جوامع، بنیان علمی دزم را برای مداخله مؤثرتر در تربیت دینی در حوزه سیاستگذاری، برنامه‌ریزی و اجرا فراهم می‌کرد. این کارکرد در حوزه آموزش و پرورش کودکان و نوجوانان بسیار نمایان‌تر بود؛ با اثرپذیری از این مطالعات، تربیت دینی کودک و نوجوان که در گذشته چندان مورد توجه نبود و چنین فکر می‌شد

که اساساً تربیت دینی امری مربوط به دوره کودکی نیست و یا اگر بدان توجه می‌شد، بر مبنای تجارب شخصی مربیان انجام می‌گرفت؛ امروزه آن به امری کاملاً علمی تبدیل شده است و مربیان و مبلغان دینی مسیحی و یهودی از پنج زمینه مطالعاتی زیر برای پیشبرد تربیت ایمانی و دینی کمک می‌گیرند:

۱. مطالعات روان‌شناختی تحول دینداری؛

۲. مطالعات جامعه‌شناختی دینداری؛

۳. مطالعات فلسفی به‌ویژه ناظر بر چالش‌های تربیت دینی در دنیای معاصر؛

۴. بازخوانی روایت‌های دینی در منابع گذشته برای انطباق با نیازهای امروزی؛

۵. مطالعه متون دینی با هدف پاسخگویی به پرسش‌های جدید.

به‌کارگیری یافته‌های نظریه‌های یادشده در یک کشور اسلامی مانند ایران دو ایراد اساسی دارد: ایراد نخست — که دلمان و معتقدان مسیحی هم به‌تفصیل درباره آن سخن گفته‌اند و در فصل سیزدهم بدان اشاره می‌شود — این است که این نظریه‌ها مبتنی بر مفاهیم مادیگرایانه، لیبرالیستی و سکولاریستی است و نه بر یک جهان‌بینی الهی و بنابراین، به‌کارگیری آنها بدون تهذیب از این مبانی صحیح نیست؛ دوم اینکه نظریه‌های مذکور در چهارچوب تفسیرهای مسیحی و یهودی از موضوعات دینی است و نیز نمونه‌گیری‌ها از آداب و رسوم مسیحی و یهودی انتخاب و آزمون شده است. بنابراین، تعمیم نتایج آنها به یک جامعه و دینمان با چالش جدی مواجه است.

این وضعیت، گروه علوم تربیتی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه را — که رسالت اصلی آن تولید دانش اسلامی و بومی و تأمین بنیان‌های علمی برای نهادهای آموزشی در جمهوری اسلامی است — بر آن داشت که زمینه‌ای را برای ایجاد جریان علمی و تربیتی تأمین بنیان‌های علمی مورد نیاز نهادهای آموزشی آغاز کند. در این راستا، گروه اقداماتی مانند پژوهش در زمینه روان‌شناسی تحول دینداری، فلسفه تربیت دینی و اقدام به راهنمایی دانشجویان ارشد و دکتری در تهیه پایان‌نامه‌های مرتبط با این حوزه و تدوین عناوین و سرفصل‌های دوره کارشناسی «روان‌شناسی تربیت دینی کودک و نوجوان را در دستور کار خود قرار داد.

کتاب روان‌شناسی تحول دینداری: نظریه و نقد در راستای اقدامات زمینه‌ساز گروه و در پی این اهداف زیر تدوین شده است:

۱. معرفی و نقد سه رویکرد اصلی پژوهش و نظریه‌پردازی در حوزه مطالعات تحول دینداری

به شرح زیر:

الف) رویکرد شناختی — ساختاری تحول دینداری: این رویکرد اولین پژوهش‌ها و نظریه‌پردازی‌ها

را در قلمرو مطالعات تحول دینداری رقم زده است و به مدت چهار دهه بر مطالعات علمی در فضای آکادمیک سیطره کامل داشته است.

رویکرد مذکور عمدتاً بر درک مفاهیم و آموزه‌های دینی و تفکر درباره آنها متمرکز است و پیشتر بر تولید نظریه را به خود اختصاص داده است.

ب) رویکرد اجتماعی تحول دینداری: این رویکرد در نقد رویکرد شناختی و با تمرکز بر بررسی چگونگی تأثیر عوامل اجتماعی بر تحول دینداری پدید آمده است. مفروضه اساسی این رویکرد این است که دینداری تنها برای یک محصول سطح تحول عقلانی و عاطفی است از عوامل اجتماعی تأثیر می‌پذیرد و فرد از طریق والدین و نمادها و سازمان‌های دینی به‌طور انتقال یک‌طرفه یا تبادلی دیندار می‌شود.

ج) رویکرد عاطفی-انگیزشی: رویکرد انگیزشی و عاطفی تحول دینداری را با نظر به تغییر در انگیزه‌ها و احساسات دینی مطالعه می‌کند.

۲. معرفی و نقد مبانی عالمان مسیحی برای مسیحی‌سازی دانش تحول دینداری: همزمان با توسعه مطالعات تحول دینداری، سلمان مسیحی ابتدا تلاش کردند تا اعتبار، حجیت و مفید بودن هر گونه پژوهش و نظریه‌پردازی درباره آموزه‌های دینی را نفی کنند ولی به تدریج با شرایط اعتبار و مفید بودن این نظریه‌ها را پذیرفتند و نظریه‌های متعددی را در این حوزه پدید آوردند که در این کتاب در حد دو فصل که اولی به مناقشات نظری می‌پردازد و دومی به بیان دیدگاه‌های نظریه‌پردازان اشاره می‌کند.

۳. معرفی و نقد مطالعات تحول دینداری در ایران: در این بخش وضعیت پژوهش و نظریه‌پردازی در ایران توصیف، تحلیل، ارزیابی و راهکارهایی برای تقویت پژوهش ارائه می‌شود. افزون بر این، نظریه‌های عرفانی و تفسیری تحول دینداری به منزله پیشینه پژوهش و نظریه‌پردازی روان‌شناختی بررسی و ظرفیت‌های آن برای پژوهش روان‌شناختی تحول دینداری نشان می‌شود.

در پایان بر خود فرض می‌دانم از همکاری صمیمانه آقای مهدی غلامی که در ترجمه و معادلیابی واژه‌ها و به‌ویژه در مباحثه به منظور فهم نظریه فولر مؤلف را یاری کرده و نیز آقای دکتر هادی بهرامی احسان و حجت الاسلام والمسلمین آقای دکتر مسعود آذربایجانی که از نظرات آنها در بخش‌بندی به اثر استفاده کردم، تشکر و قدردانی نمایم. همچنین از آیت‌الله علیرضا اعرافی که در سمت دبیر پژوهشگاه و مدیر گروه علوم تربیتی، بسیاری از داشته‌های خود را مدیون ایشان می‌دانم، تشکر می‌کنم. از خداوند برای همه آنها موفقیت و عاقبت به خیری خواستارم. از گروه تخصصی روان‌شناسی سازمان «سمت» نیز که با ارزیابی‌های خود موجب بهبود ساختار و محتوای کتاب شدند، قدردانی می‌کنم.

شهر مقدس قم - بهمن ۱۳۹۶

محمود نوذری

دینداری و نظریه پردازی روان‌شناختی تحول دینداری

مقدمه

علم روان‌شناسی، دانش هئالعه و شناخت رفتار و فرآیندهای روانی انسان است. در دامنه این رشته علمی به‌طور رسمی تاکنون پنج شاخه علمی مانند روان‌شناسی اجتماعی، تحول روانی، شخصیت و بالینی شکل گرفت که یکی از آنها شاخه روان‌شناسی دین است.

روان‌شناسی دین حوزه‌ای است که اعتقاد، احساس و رفتار دینی را از دیدگاه روان‌شناختی مطالعه می‌کند؛ بدین معنا که می‌کوشد تا با استفاده از ابزاران‌شناختی واسطه‌ای تأثیرگذار بر عقیده، رفتار و تجربه دینی را درک کند؛ همچنین دین حوزه سعی می‌شود زمینه‌های مؤثر گوناگون — خواه محیطی، شخصی یا اجتماعی — در نظر گرفته و از دریچه دیدگاه‌ها، پژوهش‌ها و نظریات متنوع به موضوع دینی مورد مطالعه نگاه شود تا درک کامل‌تری از آن به دست آید.

پرسش‌های متنوعی وجود دارد که در روان‌شناسی دین مطرح می‌شوند. نتایج دینداری در زندگی چیست؟ چه تفاوتی از حیث روان‌شناختی بین دین اصیل و دین ساختگی در شخص وجود دارد؟ چرا برخی از مردم در مورد دینشان متعصب هستند و برخی دیگر با عطف‌پذیر هستند؟ فرآیند شک دینی چیست؟ آیا دین ارتقای بخش رأفت انسانی و ملامت‌خیز است یا موجب پسرفت آن است؟ آیا یک نوع خاص شخصیت بهنجار یا نابهنجار وجود دارد که براساس آن فرد آماده پذیرش دین می‌شود؟ تغییر دینی و نوکشی چگونه به بهترین وجه مفهوم‌سازی و تفسیر می‌شود؟ فرآیند و تجربه نوکشی چیست؟ مسیر تحول دینداری از کودکی تا بزرگسالی کدام است؟

روان‌شناسی تحول دینداری به عنوان یک حوزه مطالعاتی زیر مجموعه روان‌شناسی دین، برای پاسخ به این پرسش که مسیر تحول دینداری از کودکی تا بزرگسالی کدام است، شکل

گرفته و گسترشی در حجم یک شاخه علمی مستقل پیدا کرده است. در ذیل این پرسش اصلی، پرسش‌های فرعی بسیاری مطرح شده است؛ کودک و نوجوان چه تصویری از خدا در ذهن خود خلق می‌کنند و مشتمل بر چه مراحل است؟ مراحل تفکر دینی کدامند؟ چگونه فهم انسان از مفاهیم مانند ایمان، دعا، نبوت، انگیزه دینی، داوری دینی، احساس دینی، کلیسا، کتاب مقدس در تحول زندگی متحول می‌شود؟ رابطه باورهای دینی والدین - کودک به چه شکلی است؟ عوامل اجتماعی، تاریخی و وقایع مهم زندگی در تعامل با عوامل شناختی، عاطفی و گرایشی چگونه بر تغییرات در شناخت، احساس و رفتار دینی در فراختای زندگی اثر گذار است؟

در پاسخ به پرسش‌هایی مانند پرسش‌های بالا، در طول هفت دهه گذشته، پژوهش‌های فراوانی انجام شده و راه‌های شناختی انجام گرفته که منجر به عرضه نظریه‌های بسیاری در این حوزه شده است. بیشتر نظریه‌پردازان این حوزه، افزون بر توصیف و تبیین تغییرات تحول دینی در طول زندگی به استلزامات نظریه پردازی، آموزش دین، به‌ویژه آموزش دین به کودکان و نوجوانان نیز اشاره کرده‌اند؛ علت آن نیز این است که دغدغه اصلی عمده نظریه‌پردازان - که از کشیشان، مبلغان و یا محققان علاقه‌مند به آموزش دین بوده‌اند - ارتقا و اصلاح شیوه‌های آموزش دین و افزایش توانمندی مربیان دینی بوده است.

کتاب حاضر دربردارنده گزارشی از نظریه‌های پیشنهادی شده و گزارشی از پیشینه خودی (وضعیت پژوهش و نظریه‌پردازی در ایران) و ارزیابی آنها در این حوزه است. همچنین، این کتاب راهکارهای اسلامی و بومی‌سازی دانش روان‌شناختی تحول دینداری را بیان می‌کند. مبحث آغازین کتاب، به بیان مجموعه‌ای از موضوعات ضروری برای درک نظریه‌ها اختصاص یافته است و پاسخی به پرسش‌های زیر را فراهم می‌کند:

- چگونه دین و دینداری در کاوش‌های روان‌شناختی تعریف می‌شود؟
- تحول، روان‌شناسی تحول و روان‌شناسی تحول دینداری به منزله یک شاخه علمی چگونه تعریف می‌شود؟

- انتظار ما از نظریه‌های تحول دینی چیست؟

- سیر تحول نظریه‌های تحول دینداری چگونه است؟

- کدام فرایندهای بنیادین روان‌شناختی شالوده تحول دینداری را تشکیل می‌دهد؟

- ابزار مفهومی و روش شناختی در حوزه مطالعات روان‌شناختی تحول دینداری چیست؟

تعریف تحول و روان‌شناسی تحول

اصطلاح تحول به معنای تغییری است که در طول زمان رخ می‌دهد و جهت‌گیری^۱ ویژه‌ای دارد. جهت‌گیری تحول معمولاً از ساده به پیچیده، از سازمان‌یافتگی و هماهنگی کمتر به سازمان‌یافتگی و هماهنگی بیشتر، و از یکپارچگی کمتر به یکپارچگی بیشتر است. برای اینکه مشخص شود که آیا یک تغییر خاص، تغییری تحولی به شمار می‌آید یا نه؛ باید دید که آیا الگوی تغییر را می‌توان افراد مختلف مشاهده کرد و آیا این الگوی تغییر، جهت‌گیری خاصی دارد و نیز پیچیده‌تر و یکپارچه‌تر شود؟ (کگان، ۱۹۹۱؛ به نقل از: نیومن و نیومن، ۱۳۹۳، ص ۲۰).

در مطالعات تحول تنها الگوهای رفتاری و روانی متغیر بررسی نمی‌شود، بلکه الگوهای رفتاری و روانی که دارای ثبات هستند و در طول زمان تغییر نمی‌کنند، نیز مورد توجه قرار می‌گیرد؛ همچنین، الگوهای بررسی‌شونده می‌شوند که نظم و ترتیب دارند و نسبتاً دائمی هستند و نه نوسانات رفتاری و خلقی موقتی و زودگذر. بنابراین، اصطلاح تحول عبارت است از: تغییرات و استمراریت‌های رفتاری و روانی نظام‌مند که در طول زندگی از لقاح تا مرگ رخ می‌دهد و ویژگی نظام‌مند در تعریف به این مطلب اشاره می‌کند که تغییرات نظم و ترتیب دارند و نسبتاً دائمی هستند. به این ترتیب، شامل نوسانات حالت‌مند نیز در بحر و ظاهر و رفتار انسان نمی‌شود؛ استمرار رفتار و روانی در تعریف به الگوی باثباتی اشاره می‌کند که در طول زمان ثابت می‌مانند (گنجی و بابازاده، ۱۳۹۳، ص ۱).

با این تعریف از تحول، منظور از روان‌شناسی تحول حوزه‌ای از مطالعات روان‌شناسی است که الگوهای تغییر و ثبات رفتاری و روانی را در فراخنای زندگی از تولد تا مرگ در ابعاد شناختی، عاطفی، اجتماعی و... مطالعه و فرآیندهای روان‌شناختی زیربنایی آنها را مشخص می‌کند.

تعریف دین و دینداری در کاوش‌های روان‌شناختی

تعریف ماهیت دقیق دین و حقیقت آن، به‌طور منطقی قبل از هر گونه پژوهش درباره دین و از جمله پژوهش‌های روان‌شناختی امری ضروری است؛ زیرا پژوهشگر تا زمانی که مفهومی دقیق ماهیت دین را معلوم نکرده است، به‌طور طبیعی نمی‌تواند کیفیت اثر آن را در شناخت‌ها، احساسات، انگیزه‌ها و رفتار انسان مطالعه و درک کند.

تنها با شکل‌گیری و دگرگونی در دینداری سروکار دارد و نه درستی یا نادرستی آنها. همچنین این توضیحات، تفاوت بین دانش‌های دینی مانند علم کلام و دانش روان‌شناسی تحول دینی روشن می‌شود. دانش‌های دینی و روان‌شناسی تحول دینی هر دو عقاید و رفتار دینی را مطالعه می‌کنند. اما دانش‌های دینی از جمله کلام و فقه با درستی یا نادرستی عقاید یا وجوب و حرمت اعمال و روان‌شناسی تحول دینی با چگونگی شکل‌گیری دینداری و تغییر آن در طول زندگی سروکار دارند.

انتظار از نظریه‌های تحول دینی

از نظریه‌های تحول دینی انتظار می‌رود که الگوهای تغییر و ثبات در دینداری را در طول زندگی توصیف و فرآیندهای بن‌دین روان‌شناختی را که علت شکل‌گیری و دگرگونی در الگوها هستند، بیان کنند. پرسش‌هایی که انتظار می‌رود نظریه‌های تحول دینداری پاسخ آنها معلوم شود، عبارت‌اند از: ۱. چه جنبه‌ای از واقعیت دینداری تغییر می‌کند؟ موجب افزایش یا کاهش دینداری می‌شود؟ این پرسش در سنت خودی با عنوان «زیادت و نقصان»، «ایمان» و در روان‌شناسی با عبارت «جهت‌گیری تغییر در طول زندگی» مطرح می‌شود. نظریه تحول دینی در پاسخ به این پرسش امور مختلفی را بیان می‌کند. رویکرد شناختی تحول دینی «ساخت» را به منزله امر در حال تغییر در نظر می‌گیرد. بعضی نظریه تغییرات را برحسب گشتالت دینی و برخی دیگر، براساس تمایز و یکپارچگی معرفت دینی بیان می‌کنند.

۲. آیا تحول دینی جریانی پیوسته و غیر مرحله‌ای است و به این معنی تحول دینی جریانی ناپیوسته و در نتیجه چند مرحله‌ای است؟ ناپیوسته بودن تحول به این معنا است که تغییرات نه تنها کمی بلکه کیفی است و بنابراین، در هر مرحله ماهیت کیفی مشخص است یا کاهش دینی دگرگون می‌شود.

۳. آیا تحول دینی از تحول سنی تبعیت می‌کند یا تابعیت در بخشی از زندگی و آن هم در سنین کودکی و نوجوانی است. برخی نظریه‌ها (از جمله نظریه فولر، آسرو و گماندر) تحول دینی را در چرخه زندگی از تولد تا پیری تابع سن می‌دانند و برخی (مانند رویکرد طول عمر) تحول دینداری را تنها در دو دهه اول زندگی پیرو سن و وراثت می‌دانند و بر این باورند که تحول دینی پس از دهه دوم زندگی متأثر از جنبه اجتماعی - فرهنگی - تاریخی است.

۴. چگونه بافت اجتماعی - فرهنگی - تاریخی بر تحول دینی تأثیرگذار است؟

۵. چگونه تعامل عوامل درون موضوع مطالعه (عوامل شناختی، عاطفی، ارادی) و عوامل بیرون موضوع مطالعه (عوامل اجتماعی، تاریخی، وقایع خاص زندگی) توضیح داده می‌شود؟
۶. تجربه‌های دینی در دوره کودکی چه تأثیری بر تحول دینی در بزرگسالی دارد؟
۷. عوامل تسهیل‌کننده و تهدیدکننده تحول به‌طور کلی و در هر مرحله‌ای از تحول کدام است؟
۸. تنش اراده انسان، وراثت و محیط چگونه تبیین می‌شود؟
- رایک،^۱ روان‌شناس سوئیسی، انتظارات از نظریه‌ها و به‌ویژه انتظار از یک نظریه ایدئال را بدین‌گونه بیان می‌کند (۱، ص ۱۵۱؛ به نقل از: پالوتزیان، ۱۹۹۶، ص ۱۱۲):
۱. باید به فرآیندهای روانی (عقلانی، هیجانی، ارادی) ناظر باشد که در موجود زنده وجود دارند؛ به‌ویژه، باید از فرآیندهایی که بر معناسازی دینی تأثیر می‌گذارند؛
۲. نیازمند این است که تحول را به عنوان هماهنگی تدریجی روان فرد و واقعیت معنوی درک شده، واقعیت زیستی-فیزیکی، و واقعیت اجتماعی-فرهنگی توصیف کرده، و روابط بین نیروهای درونی و برونی در روند تحول را تفسیر کند؛
۳. باید به بافت‌های اجتماعی-کلی، بستر تحول دست‌نشد و به شیوه‌های ارتباط آن بافت‌ها با تحول دینی فردی توجه کند؛
۴. باید ویژگی‌های همگانی تحول دینی و نیز تفاوت‌های فردی را توجیه کند؛
۵. نیازمند این است که مکانیسم‌هایی را تعیین کند که تغییر تحول به واسطه آنها اتفاق می‌افتد و عملکردهای عواملی را تبیین کند که مانع یا ریت‌کننده تحول دینی هستند.

سیر تحول نظریه‌های تحول دینداری

کدام جریان‌های علمی در روان‌شناسی بر جهت‌گیری‌ها و هدایت پژوهش‌ها و نظریه پردازی‌ها در حوزه تحول دینداری در هفت دهه گذشته مؤثر بوده‌اند؟ در دامن این جریان‌های علمی چه نظریه‌های مهمی شکل گرفته است؟ وضعیت فعلی و آینده پژوهش و نظریه پردازی در این حوزه چگونه است؟

با نگاهی کلان و از منظر بالا به هفت دهه پژوهش و نظریه پردازی در حوزه تحول دینداری می‌توان دو جریان علمی را شناسایی کرد که هر یک در دوره‌ای بر فرآیند پژوهش سیطره داشته و نظریه‌ها در چهارچوب آنها پدید آمده‌اند.

دوره اول: سیطره چهل ساله رویکرد شناختی تحول دینی

از نظر تاریخی در چهار دهه نخستین فعالیت علمی در این حوزه، پیروان جریان رفتارگرایی با این باور که موضوع پژوهش علمی «رفتار آشکار» است و دین نمی‌تواند موضوع پژوهش علمی واقع شود، در عمل هم به پژوهش و نظریه‌پردازی نپرداختند. همچنین، پیروان جریان تحلیلی‌گری با مطالعات عمده از دید آسیب‌شناسانه به دین، دستاورد قابل اعتنائی در حوزه تحول دینی ارائه نکردند؛ در این بین پژوهش‌های روان‌تحلیل‌نگرانه مانند ریزوتو^۱ (۱۹۷۹) که با نگاهی مثلاً بر «تحول دینی پرداخته است، کمتر یافت می‌شود.

در چنین وضعیتی، تنها یک رویکرد در چهار دهه اول شکل گرفت و آن هم رویکرد شناختی تحول دینی بود که روان‌پیاژه بنیانگذار آن بودند. در این رویکرد دینداری برحسب بعد شناختی آن بررسی می‌شود و به اصل تحول دینی براساس اصول روان‌شناختی پیاژه — مانند اصل تعادل، کنش متقابل فرد و محیط، ازدیادمحوری، ساخته‌پنداری — توضیح داده می‌شود. مراحل آشکارا بر مبنای شکل‌گیری ساخت‌های «مومن، عینی، انتزاعی و با فرض اینکه مراحل تحول دینی از الگوی عمومی تحول شناختی — که بیان می‌شود، از روش مصاحبه بالینی در بیشتر این پژوهش‌ها برای گردآوری داده‌ها استفاده می‌شود. در این چهارچوب صدها پژوهش انجام شده و نظریه‌های مهمی پدید آمده که به برخی از آنها به فصل‌های دوم، سوم و چهارم اشاره می‌شود.

دوره دوم: نقد رویکرد شناختی تحول دینی و ارائه نظریه‌های جایگزین

از یک سو، محدودیت‌های رویکرد شناختی در تفسیر تحول دینداری و از سوی دیگر، توجه به معنویت‌گرایی و ظهور و بروز جنبش‌های معنوی، به شکل‌گیری جریان دیگری با نام «دوره نقد رویکرد شناختی و ارائه نظریه‌های جایگزین» انجامید. در این دوره تلاش شد تا از محدودیت‌های رویکرد شناختی فراتر رود و از دیدگاه تازه‌ای تحول دینی را بررسی کرد. این جریان که حدود سه دهه از عمر آن می‌گذرد، از جهات مختلفی به توسعه‌دهنده در حوزه تحول دینی کمک کرده است: چرخش از بررسی با رویکرد شناختی به بررسی با رویکرد جامعه‌شناختی، از بررسی صرفاً ساختاری به بررسی «محتوایی» و «محتوایی — ساختاری»، از تک‌بعدی به نگاه چند بعدی، از بررسی دینداری مسیحی و یهودی به بررسی ادیان دیگر، از بررسی با روش مصاحبه بالینی به روش کیفی و ترکیبی.

می‌توان جریان انتقادی به رویکرد شناختی تحول دینداری را به جریان‌های فرعی‌تر زیر که هر کدام از دیدگاهی به نقد رویکرد شناختی پرداخته‌اند، تقسیم کرد:

۱. بکرد کاردی - بنیادین کویلسکی^۱

کویلسکی هم رویکرد شناختی تحول دینی را نقد و هم راهکارهایی را برای جبران نقاط آنها بیان کرده است؛ نقد نخست کویلسکی این است که در تحول دینداری باید بر دوره بزرگسالی تمرکز شود و نه بر دوره کودکی و به نظر وی، رویکرد شناختی تحول دینی با دقت کامل تفاوت موجود در مفهوم بازی دینی یک کودک پنج‌ساله یا نه‌ساله را تبیین می‌کند، اما به تنوع چشمگیر چشم‌اندازهای دینی بنیادین نمی‌پردازد و به دلیل همین تنوع اساساً تحول دینی در شخص هنگامی روی می‌آید که بدها و تعارض مربوط به امور فراطبیعی چشمگیر و کارکردی شود. معیار وی برای تحول دینی، گریه، عمق و همه‌جاگیری فراطبیعت‌گرایی است (اسکارلت،^۲ ۲۰۰۶، ص ۲۷).

نقد دوم کویلسکی این است که بخشی از زندگی فرد دیندار (به صورت روزمره) مبتنی بر باور نسبت به مداخله نیروهای فراتر از حس و عقل و بر زندگی و اقدام برای کنترل آنها سپری می‌شود و این امور وصف‌ناشدنی و فراتر از حس و عقل در چهارچوب رویکرد شناختی پیاژه‌ای قابل توصیف و تبیین نیست (همان).

نظریه‌های شناختی - فرهنگی تحول معنوی

نظریه‌های شناختی - فرهنگی نظریه‌هایی هستند که تأثیر بنیادهای فرهنگی را در تعامل با فرآیندهای شناختی بر تحول معنوی مطالعه می‌کنند و نشان می‌دهند که چگونه این بنیان‌هایی به تحول مفاهیم ماوراءالطبیعی، به‌ویژه مفاهیم خدا، روح، دعا و زندگی پس از مرگ منتهی می‌شوند (جانسن و بویاتزس، ۲۰۰۶، ص ۲۱۱ و ۲۱۲).

پیروان نظریه شناختی - فرهنگی با نگرش به تحول دینی از دیدگاه این نظریه‌ها، چند اساسی بر پیروان رویکرد شناختی تحول دینی وارد کرده‌اند؛ اول اینکه به‌طور کلی تحول و به‌طبیعت خاص تحول دینی از یک الگوی پلکانی که همه مردم می‌بایست آن مسیر پلکانی را بپیمایند - آن‌گونه که پیروان رویکرد شناختی تحول دینی تصور می‌کنند - پیروی نمی‌کند. تحول در

طول زندگی تحت تأثیر تنوع فرهنگی از الگوی درختچه در حال شاخ و برگ زدن پیروی می‌کند و کسی نمی‌تواند بگوید کدام شاخه بهتر است. دوم اینکه ویژگی‌های عامی که در رویکرد شناختی تحول دینی برای هر مرحله در نظر گرفته می‌شود، گمراه‌کننده است. برای نمونه، براساس دیدگاه پیاژه از ویژگی عام تفکر کودک ۴ و ۵ ساله سحری و افسانه‌ای اندیشیدن است و به‌طور ذاتی کودک سحری می‌اندیشد، در حالی که پژوهش‌ها نشان می‌دهد که کودک نه عقلانی می‌اندیشد و نه غیر عقلانی، بلکه کودک در همین دوره در مورد برخی از واقعیت‌ها و جنبه‌های زندگی عقلانی و در برخی از جنبه‌ها غیر عقلانی می‌اندیشد. جنبه غیر عقلانی نیز تحت تأثیر فرهنگ، و کارکرد مثبتی است که این نحوه اندیشیدن دارد. سوم اینکه تحول تنها ارگانیک و تابع سن نیست بلکه فضا است که آن را در برخی جنبه‌ها تبیین می‌کند. چهارم اینکه تفکر دینی در قیاس با سایر انواع تفکر، ابتدایی‌تر است و نه تحول‌یافته‌تر؛ بلکه صرفاً متفاوت است و تا زمانی که افراد در هر سنک خاص، دارای هستی‌شناسی‌های شهودی بنیادی (جسمی، زیست‌شناختی و روان‌شناختی) باشند تا زمانی که عوامل دینی مغایر با عقل سلیم، دارای کارکردهای معمول سازگاری است. برای ترویج تعهد (جمعی) اخلاقی و تسکین نگرانی وجودشناختی باشند، این نسبت‌های نامتوازن است. به‌خوبی سنت‌های دینی گسترش می‌یابد (اسکارلت، ۲۰۰۶، ص ۳۰).

سیر معنوی کودک

در سال‌های گذشته، تعدادی از روان‌شناسان و مربیان در مورد «کودک معنوی» قلم زده‌اند و تا آنجا پیش رفته‌اند که مدعی‌اند می‌توان سیر «کودک معنوی» را تشخیص داد. ایده «سیر معنوی» کودک تقریباً واکنشی به نظریه‌های مرحله‌ای - ساختاری است که عموماً با راسخا با دیدگاه گلدمن می‌باشد. درواقع، یکی از مهم‌ترین نقدهای مطرح از جانب این دیدگاه است که نظریه‌های مرحله‌ای - ساختاری، بیش از اندازه شناختی هستند (رک: هارت، ۲۰۰۶، ص ۱۶۳-۱۷۹). برای مثال، های^۲ چنین می‌نویسد:

این احساس فزاینده که پس از مرور دانسته‌هایمان در مورد معنویت کودکی به من دست داد، عبارت است از نگرانی راجع به بستگی نظریه تحول (یعنی نظریه‌های مرحله‌ای - ساختاری) که قرار است تحول را تبیین کنند. ... مشکل اصلی (در مورد نظریه‌های مرحله‌ای)، محدودیت

1. Hart, T.

2. Hay, D.

آنهاست که به این حد می‌رسد که دین را به عقل تحلیل برده و از این‌رو معنویت کودکی را نیز صرفاً در حد گونه‌ای از تحول نایافتگی یا کمبود تلقی می‌کنند (های، ۱۹۹۸، ص ۵۰).

معتقدان به سیر کودک معنوی بر این باورند که معنویت در زیست‌شناسی، احساس و تجربه شایسته‌ی رینه دارد، البته پیش‌تازان سیر معنوی کودک به‌طور قطع آگاهند که در آنچه به عنوان تجربه سوری بدان اشاره می‌کنند، عنصری شناختی وجود دارد. داشتن تجربه معنوی، دست‌کم ملزم توانایی شناختی برای بازگشت و «آگاه شدن» — از تصویر بزرگ‌تر، از راز حیات، از وجود چیزی راتر از «ده می‌دهی» — است، اما این توانایی در سنین بسیار کم و براساس برخی از گزارش‌ها در ۴ سالگی، و به‌یقین در ۶ سالگی نیز وجود دارد.

به گفته این گروه، استعداد مبنوی، استعدادی ارثی و نتیجه تحول مغز است. این استعداد به صورت زیستی و نه از طریق والدین، علما یا فرهنگ به کودک داده می‌شود؛ اگرچه کودکان برای تحول معنوی به تشویق و حمایت‌های بی‌نیاز دارند. در مجموع، سیر کودک معنوی مصمم به انتقال موفقیت‌آمیز یک ایده مه‌است؛ کودکان استعداد تجارت معنوی غنی و متنوعی دارند که شالوده تحول معنوی، اخلاقی و دینی آنها را شکل می‌دهد (یا باید از راه تشویق و حمایت شکل دهد). بنابراین، گروه مروج سیر کودک معنوی، توجه به «تجارب معنوی» کودکان، نقش قضاوت و تعقل را تا حد پذیرش دیدگاه متضاد با دیدگاه گلدمن، بی‌اهمیت جلوه داده‌اند (اسکارلت، ۲۰۰۶، ص ۲۸).

در مجموع رویکردهای جدید از رهگذر جبران کاستی‌های رویکردهای شناختی تحول دینی سخن فراوانی برای گفتن دارند، اما این رویکردها به علت صرف نظر کردن از مفهوم مرحله، تحول معنوی و دینی را به نحو بسته‌ای تعریف نمی‌کنند. از این‌رو، لازم است در مرحله بعدی این مطالعات، نقاط قوت رویکردهای شناختی تحول دینی با نقاط قوت رویکردهای کنونی تلفیق شوند تا در نهایت نظریه‌هایی با کارآمدی بیشتر از جهت توصیف و تبیین تحول دینی ارائه شود.

فرآیندهای بنیادین روان شناختی تحول دینداری

یک موضوع بسیار مهم که در ارتباط با روان‌شناسی و کاربرد آن در پژوهش مربوط به تحول دینداری باید به آن توجه کرد، این است که کدام فرآیندهای بنیادین روان‌شناختی شالوده تحول دینداری را تشکیل می‌دهد و پژوهشگران تحول دینی پاسخ آن را در کجا جستجو می‌کنند؟ از

بررسی پژوهش‌های روان‌شناختی در حوزه تحول دینداری مشخص می‌شود که روان‌شناسان در فضاهای بسیار متفاوت تلاش می‌کنند تا اسباب و عوامل تحول دینداری را بیابند. منشأ این نگاه‌های متفاوت نیز این است که روان‌شناسی یک حوزه یکپارچه پژوهشی یا نظری نیست، بلکه رزه‌ای نامتجانس با بسیاری از شیوه‌های متنوع فکری درباره رفتار و فرآیندهای روانی انسان است. هر یک از این تفاسیر یا دیدگاه‌ها، توجه ما را به جستجو درباره اساس دینداری در مکان‌های مختلف جلب می‌کند. ما می‌توانیم برای هر دیدگاهی به خودی خود ارزش قائل شویم، چنان‌که در سطر تا سطر بعدی انجام شده است؛ اما تلاش‌های رایج فعلی ترکیب همه جنبه‌های آنها برای ایجاد یک تصویر کامل‌تر در مورد این است که چگونه عوامل روان‌شناختی متنوع در تحول دینداری تأثیر دارند. به عبارت دیگر، تحول دینداری به صورت چندجانبه مشخص می‌شوند (پالوتزیان، ۱۹۶۶، ص ۲۴).

نظریه‌پردازانی که دیدگاه‌های این کتاب بررسی می‌شود، به‌طور عمده از اصول و مفاهیم روان‌شناختی زیر استفاده کردند تا بتوانند عوامل بیادین ایجاد تغییرات در دینداری را توضیح دهند:

۱. مفاهیم و اصول روان‌شناختی پیازه‌ای: از نظر تاریخی پژوهشگران تحول دینی نزدیک به چهار دهه فرآیندهای بنیادین روان‌شناختی را به پیازه جستجو می‌کردند؛ پیشنهاد اساسی دیدگاه پیازه این است که کودکان از میان توالی‌هایی از مراحل تحول شناختی، تحول و نمو می‌یابند و هر مرحله پیچیده‌تر و از جهت کیفی متفاوت از مرحله قبلی است. بر همین مبنا، پژوهش‌های تحول دینی که در درون این چهارچوب انجام شده است، پیشنهاد می‌کند که کودکان مراحل از استدلال اخلاقی و تحول دینداری را طی کنند که مشابه مراحل عمومی تحول شناختی در انسان است و تفاوت‌ها اندک است، بدین معنا که تفکر دینی کودک از تغییری مرحله‌گونه از تفکر خودمحورانه و عینی به سمت تفکر انتزاعی گسترش می‌یابد و بین مراحل تفکر ناظر به معرفت دینی و غیر دینی تفاوت عمده‌ای مشاهده نمی‌شود؛

۲. ترکیبی از مفاهیم و اصول روان‌شناختی پیازه،^۲ کهلبرگ،^۳ سلمن^۴ و اریکسون؛^۵ برخی از پژوهشگران تحول دینی مانند فولر^۶ نه تنها از دریچه یک نظریه روان‌شناختی، بلکه از دریچه چندین نظریه به‌طور همزمان به موضوع دینداری نگاه می‌کنند و در نتیجه مراحل تحول دینداری

1. Paloutzian, R. F.

2. Piaget, J.

3. Kohlberg, L.

4. Selman, R. L.

5. Erikson, E. H.

6. Fowler, J. W.

را در چرخه زندگی توضیح می‌دهند. در این چهارچوب مراحل تحول دینداری براساس تغییر در ابعاد ساختاری بسیار مشخص می‌شود؛ بعد ساختاری دینداری، توانایی‌هایی هستند که بر مبنای تحول سنی و کیفیت تعامل فرد و محیط و کنش متقابل و پیچیده عوامل شناختی، عاطفی، تجربه روانی - اجتماعی، نقش اعمال و نمادهای فرهنگی در نظام روانی فرد شکل می‌گیرد و به منزله تعیین کننده‌های زیربنایی شیوه فرد در کشف و فهم محتوای دینداری درمی‌آید.

۳. رویکردهای روان‌شناختی طول عمر (مانند نظریه بالتز^۱)، به عنوان نظریه کارآمد برای بررسی تحول دینداری در دوره بزرگسالی به‌ویژه در سنین اوج بزرگسالی (۶۰-۸۰ سال) در نظر گرفته می‌شود. در چهارچوب این نظریه، تحول دینی به منزله امری مادام‌العمر، چندسویه، افزایشی و کاملاً انعطاف‌پذیر، تعاملی و فرهنگی - تاریخی تفسیر می‌شود. فرض رویکردهای روان‌شناختی طول عمر این است که با افزایش سن، اثر توارث بر مشخصات نوع بشر کاهش می‌یابد، در حالی که عواس فرهنگی در نیمه دوم زندگی فرد تأثیرگذار می‌شوند.

۴. تحول در انگیزه‌های دینی با استفاده از دیدگاه‌های آلپورت^۲ و براون^۳ تبیین می‌شود. این دیدگاه‌ها چهارچوبی را برای نشان دادن تغییر در انگیزه دینی در طول عمر نشان می‌دهند.

۵. تحول دینداری به منزله اجتماعی شدن با استفاده از نظریه فرهنگی - اجتماعی ویگوتسکی^۴، نظریه دلبستگی و نظریه یادگیری شناختی - اجتماعی تبیین می‌شود. این دیدگاه‌ها چهارچوبی را برای تبیین رابطه باور والدین و بافت اجتماعی - کودک و پیوندی جامعه‌پذیری دینی کودک فراهم می‌کند.

روش تحقیق در حوزه مطالعات تحول دینداری

مطالعات روان‌شناختی در حوزه تحول دینداری ابزار مفهومی و روش‌شناختی خاصی را به پژوهشگران ارائه می‌کند تا فهمشان را از واقعیت چگونگی تغییرات در دینداری بیشتر کند. ابزار مفهومی، عبارت‌اند از فرآیندهای بنیادین روان‌شناختی که عهده‌دار تبیین سالدۀ تغییرات در دینداری هستند و ابزار روش‌شناختی نیز روش‌هایی روان‌شناختی‌اند که شیوه بررسی تغییرات تحولی و گردآوری داده‌ها را مشخص می‌کنند.

در این باره دو پرسش مطرح می‌شود: پرسش اول که مربوط به حوزه روش‌شناسی بنیادین تحقیق است - و برای متدینان و همچنین روان‌شناسان مهم به شمار می‌آید - این است که آیا

1. Baltec, P. B.

2. Allport, G. W.

3. Brown, I. B.

4. Vygotsky, L. S.

ابزار مفهومی و روش شناختی روان‌شناختی به اندازه کافی از اعتبار برخوردار است که وجوه ناشناخته سیر تحول دینداری از کودکی تا بزرگسالی را معلوم کند. پرسش در این سطح از نظر تبارشناسی به حوزه فلسفه علم مربوط می‌شود؛ پرسش در این حوزه در پی آن است که آیا حقیقت و واقعیت دینداری با ابزار مفهومی و روش شناختی که روان‌شناسی در اختیار ما می‌گذارد، قابل کشف است، در پاسخ به این پرسش تنش‌های زیادی بین موافقان و مخالفان به وجود آمده است که هم‌اکنون نیز ادامه دارد. بررسی‌ها در پاسخ به این پرسش در فصل سیزدهم خواهد آمد.

پرسش دوم که با آن نظر گرفتن اعتبار تفاسیر روان‌شناختی مطرح می‌شود، این است که در مطالعات تحول دینداری؛ ۱. رویکرد یا روش کلی در انجام تحقیق چیست؟ ۲. ابزار سنجش دین‌داری چیست؟ در اینجا، کوتاه به روش تحقیق در سطح بررسی تغییرات تحولی و روش سنجش تحول دینداری اشاره می‌شود.

پژوهشگران تحول دینداری در سطح بررسی تغییرات تحولی از «روش پیمایش طولی» و «روش پیمایش مقطعی» استفاده می‌کنند. با نظر به ماهیت پژوهش‌های تحول دینداری که جهت‌گیری تغییرات در دینداری در طول زندگی مطالعه می‌شود؛ روش تحقیق مورد استفاده پژوهشگران، بیشتر روش «پیمایش طولی» و «روش پیمایش مقطعی» است. روش پیمایش طولی، تغییرات در ابعاد دینداری در یک گروه نمونه در یک دوره زمانی بررسی می‌شود و سپس در دوره‌های زمانی مشخصی دوباره وضعیت تغییرات همان گروه اندازه‌گیری می‌شود تا تغییرات در یک دوره مانند دوره کودکی توصیف و براساس نظریه یا نظریه‌های روان‌شناختی علل تغییرات تبیین شود. در روش مقطعی به بررسی وضعیت تغییرات دینداری در سطوح مختلف سنی، در یک مقطع زمانی پرداخته و همانند روش طولی از دیدگاه نظریه‌های تحولی علل تغییرات تبیین می‌شود.

نگاهی تاریخی به سیر تحول در ابزار سنجش دینداری نشان می‌دهد که ابزار سنجش در سنجش دینداری در سه دهه اول، به‌طور عمده استفاده از مصاحبه بالینی و تحلیل محتوای آن برای کشف قواعد حاکم بر تحول دینی بوده، ولی به تدریج مقیاس‌هایی برای سنجش تحول دینداری ساخته و ارائه شده است. برخی از این مقیاس‌ها در فصل چهارم کتاب مقیاس‌های تحول دینداری ارائه شده است. پیتل هیل^۲ و رالف هود^۳ آمده است و پژوهشگران می‌توانند برای آگاهی از اصل مقیاس یا پرسش‌نامه و چگونگی پایایی، اعتبار و هنجاریابی به آن مراجعه کنند. خلاصه‌ای از مقیاس‌های بیان‌شده که

1. Measures of Religiosity

2. Hill, Peter C.

3. Hood Ralph W.

دربدارنده عنوان مقیاس، پدیدآورنده، سال، کاربرد و توصیف کلی سنجش هاست، در کتابی با نام معرفی مقیاس‌های دینی آمده است (ر.ک: آذربایجانی و موسوی اصل، ۱۳۸۲). در جدول شماره ۱ به مقیاس‌های تحول دینداری که در فصل چهارم و سایر فصول این کتاب آمده، اشاره شده است.

جدول ۱: مقیاس‌های تحول دینداری

ردیف	عنوان مقیاس	پدیدآورنده	سال	کاربرد	توصیف کلی
۱	فهرست میچی CEI	آلتر Alter, M. G.	۱۹۸۹	سنجش اعتقاد بزرگسالان در مورد تجربه ارتباط با خداوند به عنوان یک شخص	۲۴ ماده با پنج زیرمقیاس تحول ایمان، توکل به خدا، ارزش ایمان، توجه به دیگران و توجیه ایمان
۲	راهب‌های مصاحبه تحول ایمان	فولر Fowler, W.	۱۹۸۱	تعیین سطح تحول ایمان فرد به‌طور کلی	۳۴ سؤال در چهار زیرمقیاس برای مصاحبه کردن
۳	مقیاس تحول ایمان	بارنز و همکاران Barnes, M.	۱۹۸۰	تعیین تحول ایمان براساس نظریه‌های تحول روانی - اجتماعی اریکسون، شناختی و اخلاقی	نه ماده که هر ماده دارای دو گزینه A و B است و سطوح چهارگانه‌ای نیز برای آنها مشخص شود.
۴	مقیاس بلوغ ایمان FMS	بنسون و همکاران Benson, P. L.	۱۹۹۳	سنجش میزان اولویت، و ویژگی‌های نگرشی فرد و درباره ایمان پرورش و پویا به عنوان سنت‌های اصل پروتستان	۲۸ ماده با هفت درجه گزینه‌های لیکرت
۵	شاخص‌های دینی سنجش بلوغ RIMS	مارتای Marthai, R.	۱۹۸۰	اندازه‌گیری بلوغ دینی از راه سنجش احساسات و جهت‌گیری شخص در زندگی دینی	۲۵ ماده با پنج درجه گزینه‌های لیکرت
۶	مصاحبه‌شان دینی RSI	مالونی Malony, H. N.	۱۹۸۸	سنجش بلوغ دینی مسیحی	جدول ۱۰۰ بندی مصاحبه یک‌ساعته مشتمل بر ۲۰ پرسش پنج‌درجه‌ای
۷	فهرست شئون دینی	جکسون و همکاران Jackson, C.	۱۹۹۴	سنجش بلوغ دینی مسیحی از جهت دارا بودن هویت و تمامیت مسیحی و الهام	۱۶۰ ماده که با گزینه‌های پنج‌درجه‌ای لیکرت سنجیده می‌شوند.
۸	شاخص‌های بلوغ معنوی SMI	الیسون Ellison, C. W.	۱۹۸۳	سنجش فرآیند تحولی و مستمر بلوغ دینی مسیحی	سی ماده با گزینه‌های شش‌درجه‌ای لیکرت

شماره	عنوان مقیاس	پدیدآورنده	سال	کاربرد	توصیف کلی
۹	فهرست سنجش معنویت SAI	هال و ادواردز Hall, T. W. & Edwards, K. J.	۱۹۹۶	سنجش تحول یا بلوغ معنوی فرد	۳۶ ماده که پنج عامل را می‌سنجند: ناپایداری، تدافعی، آگاهی، پذیرش واقع‌نگر و عظمت
۱۰	پرسشنامه خوشی معنوی SWB	موبرگ Moberg, D. O.	۱۹۸۴	ارزیابی دینداری برحسب تحول و بلوغ معنوی	۹۳ ماده در پنج مقوله: باورها و نگرش‌ها (۵۰)، فعالیت‌های اجتماعی (۱۶)، عواطف (۸)، هویت و فعالیت‌های دینی (۱۴) و ویژگی‌های شخصی (۵).
۱۱	پرسشنامه خدایان خانواده	ریزوتو Rizzuto, J. M.	۱۹۷۹	مطالعه چگونگی شکل‌گیری مفهوم خداوند در فرد	۴۵ ماده تکمیل کردنی در هجده بخش مربوط به پرسشنامه خداوند و ۲۳ ماده تکمیل کردنی مربوط به پرسشنامه خانواده
۱۲	مقیاس غیرکلامی مفهوم خداوند	بایست و هیدکاران Baist, E.	۱۹۹۲	تناسبی تفاوت‌های تحول شخصی افراد در مفاهیم خدا	۲۱ کارت سیاه و سفید دارای اشکال خاص که به وسیله آزمودنی‌ها انتخاب می‌شوند.

در مورد روش پژوهشی به کار گرفته شده در تدوین این کتاب که به منزله مقدمه‌ای برای تولید دانش روان‌شناسی تحول بومی و اسلامی در نظر گرفته می‌شود، از شیوه‌های زیر استفاده شده است:

۱. توصیف و تحلیل نظریه‌ها به گونه‌ای که با مطالعه هر نظریه موضوع دینی مورد مطالعه، چهارچوب روان‌شناختی به کار گرفته شده، ابزار سنجش روش پژوهش و یافته‌ها مشخص و با مطالعه کتاب و مجموع نظریه‌ها سیر تحولی نظریه‌پردازی شناسایی می‌شود.
۲. بررسی انتقادی نظریه‌ها از راه بیان نقاط قوت و ضعف نظریه‌ها، طرح سؤالات و در ارتباط با هم و اینکه هر نظریه‌ای چه کمبودی از کار نظریه‌پردازان پیشین را برطرف کرده است.
۳. مطالعه ظرفیت‌های بومی - اسلامی برای تولید دانش روان تحول دینداری در ایران و ارائه پیشنهادهایی برای پیشبرد آن.

رویکرد و طرح کتاب

پژوهش‌های بسیاری در طول هفت دهه گذشته و به‌ویژه در دو دهه اخیر در زمینه تحول دینداری انجام شده که به پدیدایی نظریه‌های متعدد و متنوعی منجر شده است.

گزارش همه نظریه‌ها در یک کتاب ممکن نبود و از این رو، معیارها و جهت‌گیری‌های ویژه‌ای در نظر گرفته شد و براساس آنها، نظریه‌ها گزینش و در کتاب آورده شد. پیش از ورود به متن دانستن جهت‌گیری‌ها، چگونگی سازماندهی کتاب برای مخاطبان سودمند است.

جهت‌گیری‌ها در گزینش نظریه‌ها

۱. جهت‌گیری نگاه به پدیده دینداری از دیدگاه‌های شناختی، اجتماعی، انگیزشی و عاطفی، به گونه‌ای که اینها هم قیاس‌ها را بدهد، فهمی نسبتاً جامع نسبت به تحول دینداری فراهم شود.
 ۲. جهت‌گیری کلی نظریه‌ها، به گونه‌ای که از کنار هم قرار دادن آنها، تحول دینی از دوره طفولیت تا دینداری و به هم زدن زندگی تبیین و دیدگاهی نسبتاً جامع نسبت به تحول دینداری در گستره زندگی از تولد تا پیری فراهم شود.
 ۳. جهت‌گیری انتخاب نظریه‌ها، به گونه‌ای که موضوعات مختلف دینی (مانند تصور خدا، ایمان، دعا و...) را دربرگیرد.
 ۴. جهت‌گیری بیان تفصیلی بر روی نظریه‌هایی که از رجستگی و اهمیت بیشتری برخوردار بوده‌اند و بیان اجمالی برای نظریه‌هایی که از نظر صاحب نظران این حوزه کم‌اهمیت تر تلقی شده‌اند.
 ۵. جهت‌گیری گزارش پیشینه خودی (وضعیت پیشین و نظریه پردازی در ایران) و پیشینه تلاش دانشمندان مسیحی برای مسیحی‌سازی دین روان‌شناسی تحول دینداری.
- براساس معیارها و جهت‌گیری‌های بالا، دیدگاه‌های ۲۲ نفر از پژوهشگران گزینش شد که اسامی آنها و اینکه بر مبنای کدام رویکرد، مطالعه خود را انجام داده و در کدام موضوع دینی و در چه مقطع سنی به بررسی پرداخته‌اند؛ در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲: اسامی نظریه پردازان، موضوع دینی مورد مطالعه، رویکرد و مقطع سنی

رویکرد	نظریه پرداز	موضوع دینی مورد مطالعه	مقطع سنی
رویکرد شناختی تحول دینداری	گلدمن ^۱	عقاید اساسی مسیحیت	کودکی و نوجوانی
	الکایند ^۲	مفاهیم: دعا، هویت فرقه‌ای و خدا	کودکی و نوجوانی
	فولر ^۳	تحول ایمان	طول عمر
	اوسر و گمندر ^۴	داوری دینی	طول عمر

1. Glodman, R.

2. Elkind, D.

3. Fowler, J.

4. Oser, F. & Grmunder, P.

مقطع سنی	موضوع دینی مورد مطالعه	نظریه پرداز	رویکرد
کودکی و نوجوانی طول عمر	تجربه دینی جهت‌گیری دینی	هارمز ^۱ مدو و کاهو ^۲	رویکرد عاطفی و انگیزشی تحول دینداری
طول عمر طول عمر تا دهه هفتم و هشتم زندگی کودکی و نوجوانی	شکل‌گیری دینی و معنوی و بوم‌شناسی آن گشتالت دینی رابطه باور دینی کودک - بافت اجتماعی	استپ ^۳ کلدن ^۴ و لیشترفلد ^۵ جمعی از پژوهشگران	رویکرد اجتماعی تحول دینداری
طول زندگی کودکی و نوجوانی طول عمر طول عمر	محتوا و کیفیت ایمان مفهوم رستگاری ایمان و مفاهیم دینی ایمان	پاورز ^۶ کورنیزوک ^۷ استفانز ^۸ اسپارکمن ^۹	سیحی‌سازی نش روان‌شناسی تحول دینداری
کودکی و نوجوانی	ایمان ایمان شناخت خدا، نبوت، ایمان، دعا	علامه طباطبائی سراج جمعی از پژوهشگران: میرزا محمد باقر اسفندی، چاری، دادستان، نوذری، موسوی حیدری	تحول دینداری در ایران

سامان‌دهی کتاب

با در نظر گرفتن جهت‌گیری‌های بیان‌شده؛ بخش‌ها و فصول کتاب به صورت زیر سامان‌دهی شده است:

کلیات به مباحثی درباره ماهیت و قلمرو تحول دینی اختصاص یافته است و در واقع، مرجعی برای فهم فصول بعدی است. دین در کاوش‌های روان‌شناختی چگونه تعریف می‌شود، فرآیندهای بنیادین روان‌شناختی برای تبیین تحول دینداری کدام است، حوزه مطالعاتی

1. Harms, E.

3. Estep, J. R.

5. Lichterfeld, U.

7. Korniejczuk, V. A.

9. Sparkman, T.

2. Meadow, M. J. & Kahoe, R. D.

4. Kladen, T.

6. Powers, B.

8. Stephens, L.

روان‌شناسی تحول دینی چگونه تعریف می‌شود و دارای چه تاریخچه‌ای است؛ از مجموعه مباحثی است که تصویر خوبی را از حوزه روان‌شناسی تحول دینی در آغاز کتاب برای خوانندگان فراهم می‌کند.

بخش اول کتاب به گزارش و نقد رویکرد شناختی مطالعات تحول دینداری اختصاص یافته و در آن نظریه‌های گلدمن، الکايند، فولر، آسر و گماندر در قالب چهار فصل (فصل ۱-۴) بررسی شده است.

بخش دوم گزارش و نقد تحول دینداری از نظر احساسی و انگیزشی می‌پردازد و دربردارنده نظریه‌های هارمز (فصل پنجم) و نظریه مدو و کاهو (فصل ششم) می‌باشد.

بخش سوم به گزارش و نقد مطالعات تحول دینداری از دیدگاه اجتماعی می‌پردازد و سه فصل (فصل ۷-۹) به آن اختصاص یافته است.

بخش چهارم، تلاش‌های عالمان و معتقدان مسیحی را برای مسیحی‌سازی دانش روان‌شناسی تحول دینداری نشان می‌دهد که هدف آن آگاهی از تجارب آنها در مسیحی‌سازی دانش روان‌شناسی تحول دینداری و سپس استفاده از این تجربه‌ها در بومی‌سازی و اسلامی‌سازی دانش است.

بخش پنجم نیز به بیان پیشینه دانش روان‌شناسی تحول دینداری در ایران اختصاص یافته است که در فصل دوازدهم به پیشینه مطالعات عرفانی و تفسیری در زمینه مراحل تحول دینداری و فصل سیزدهم به پیشینه مطالعات روان‌شناختی تحول دینداری می‌پردازد و پیشینه کمی بیش از دو دهه گزارش می‌شود. هدف از این دو فصل نشان دادن ظرفیت‌هایی است که در منابع خودی برای بومی و اسلامی‌سازی دانش روان‌شناختی تحول دینی وجود دارد.